

هادی ساعی، قهرمان ملی تکواندو یکی از داوطلبان هلال احمر است که از سال ۸۲ به عضویت این جمعیت در آمده. ساعی معتقد است: «داوطلبان جمعیت هلال احمر دل های بزرگی دارند و با دل های پاکشان به مردم خدمت می کنند. برخی مواقع انسان ها احساس نیاز خاصی برای کمک کردن و خدمت رسانی می کنند که به نظر من سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر بهترین فضا را برای ابراز نیازهای روحی انسان ها به وجود آورده است. داوطلبان عضو این جمعیت بدون هیچ چشمداشتی در قبال حقوق و مزایا فقط برای دلشان در جهت رضایت خادوندان برای همنوع خود فعالیت می کنند.»

## هادی ساعی: داوطلبان هلال دل های بزرگی دارند



واکنش سریع هنگام وقوع زلزله می تواند شما را از جراحات احتمالی محافظت کند. حداقل دو بار در سال پناه گیری را تمرین کنید.

## مدرسه امداد شهروند

شنبه ۱۷ آذر ۱۳۹۷ | سال ششم | شماره ۱۵۶۴  
www.shahrvand-newspaper.ir

### همراه باناصر عمادی (۵)

#### توفیق حضور در ۴ روستا



دکتر ناصر عمادی پزشکی است که مرز نمی شناسد. او متخصص پوست، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران و از مجروحان شیمیایی جنگ است. این پزشک داوطلب هلال احمر در کشورها و شهرهای مختلف حاضر می شود و نیازمندان را رایگان درمان می کند. آن چه در ادامه می آید، خاطره حضور او در ۵ روستاست: این هفته، آخرین هفته میهمانی خدا در سال ۹۱ بود و فردا احتمالاً آخرین روزی است که همچنان میهمان آن پروردگار ازلی و ابدی خواهیم بود. ۳سال مستمر عید فطر را در کشورهای آفریقایی غنا و کنیا بودم اما امسال را در کشورم. به یاد دارم پارسل در چنین روزی کمپ پزشکی رایگان را برای مسلمانان جزیره مومباسا در شرق آفریقا با تعدادی پزشکان ایرانی بر گزار کرده بودیم. در بازگشت به ایران، یکی از آشنایان به من گفت امیدوارم همین قدر که مردم آفریقا را دوست داری، مردم نیازمند کشور خودت را هم دوست داشته باشی و آنها هم از درمان رایگان تو بهره مند شوند. نصیحت ارزشمندی بود، زیرا خدمت به انسانیت نیمی از وظیفه و خدمت به میهن، نیمی دیگر از آن. خدا نکند از دنیا برویم در حالی که ندانیم برای مملکت خود چه کار مثبتی انجام داده ایم و بدتر آن که خدای نکرده زبان شکایت و گله به همه آرامش و امنیت و نعمت سلامتی در کشورمان بگشاییم؛ در حالی که ندانیم یا نخواهیم بدانیم که وظیفه و تکلیف ما به عنوان سرباز و جان نثار برای این مملکت و مردم متمن آن چیست؟ در حالی که فقط به زبان، ادعای میهن پرستی را بارها و بارها بهتر و قشنگ تر از همه به زبان آورده ایم؛ بله می توان شبانه روز برای اثبات این که عاشق پیشرفت و اعتلای کشورمان هستیم، در هر مقام و مسئولیتی جانانه تلاش و کوشش کرد. و ایامی ندانید اینجانب پزشک متخصص پوست معنای واقعی تلاش و کوشش را به قلب و جانم از آن رفتگر سیاه پوست شهر نابروبی آموختم که وقتی از او پرسیدم چه آرزویی داری؟ در حالی که بشدت عرق می ریخت، در نهایت خستگی پاسخ داد آرزوی می کنم بهترین رفتگر شهرمان در جمع آوری زباله ها باشم و از خدا می خواهم همیشه مثل حالا عاشق و شیفته کارم باشم. کاش ما هم چنین بودیم

و آرزو نمی کردیم تا کارمند نشده، رئیس شویم تا رئیس نشده، مدیر کل شویم تا مدیر کل نشده، نماینده مجلس یا استاندار شویم و... دیگر معلوم نیست با این همه امل و آرزو و جاه طلبی و ریاست چه زمانی خدمتگار مردم نیازمند خواهیم بود. جالب آن که با همه ریاست و مدیریت که ناعادلانه عهده دار آن شده ایم، وقتی صحبت از کیفیت و کمیت خدمت به میان می آید، آنچنان ماهرانه و مخلصانه از خدمت سخن می گوئیم که گویا کسی به گرد پای اخلاص و صداقت ما نمی رسد. هفته های گذشته، به لطف و محبت پروردگار متعال به ۴ روستا از توابع قائمشهر، جوینار و ساری رفته و جمعی از بیماران را که مبتلا به مشکلات پوستی بودند را معاینه و مداوا کردم. همکاری و همراهی آقایان دکتر قاضی و دکتر سلیمیانی (مسئولان مراکز بهداشت قائمشهر و جوینار) فرصت این خدمت به بندگان خدا را برام فراهم کرد. به طوری که روز دوشنبه ۹۱/۵/۲۳ در روستاهای قادیکلای قائمشهر با همراهی خانم دکتر احمدی و همان روز در روستای آثر مرز جوینار با همکاری دکتر عرب و روز چهارشنبه ۹۱/۵/۲۵ در روستای المشیر با تلاش از زنده د کتر صیاد و آقای احمدی تعداد بسیاری بیمار (۸۰ نفر) معاینه شدند و روز پنجشنبه ۹۱/۵/۲۶ صبح زود بعد از طی مسافت ۱۵۰ کیلومتر به روستای مالخواست در منطقه کیاسر رفته و ضمن انجام عمل جراحی بینی پیرزن ۷۰ساله که مبتلا به سرطان پوست بوده، به روستای آراه در مرز استان سمنان رفته تا ساعتی را میهمان مردم با صفا و خونگرم آراه در دل کوهستان باشم. نتیجه تلاشم در این هفته معاینه رایگان نزدیک به ۳۰۰ بیمار و جراحی چند بیمار با مشکلات پوستی و کشف ۲ بیمار با بیماری خطرناک پوستی بود که برای ادامه درمان به بیمارستان بوعلی سینای ساری راهنمایی شدند. تصور کنید کشاورزان و روستائیشان زحمتگشی که قرار بود ضمن پرداخت ویزیت و اوتارف وقت و هزینه ایاب و ذهاب یک روز از شغل و کار خود جدا باشند تا با همه استرس رفت و آمد و نوبت انتظار مشکل پوستی خود را چاره کنند، اما خدای بر ما منت نهاد تا به جای آن که ۳۰۰ نفر با صرف هزینه و تعطیلی شغل و فعالیت خود مسافر شهر باشند، یک نفر با صرف هزینه اندک در کنار آنها و در خانه آنها به احوالرسی آنان برود.

دیدار گفت: «افراد بسیار کمی مانند شما هستند که تمام زندگی شان را وقف مردم کنند و شما نامی آشنا در این زمینه هستید.» دبیر کل جمعیت هلال احمر اضافه کرد: «باتوجه به این که امروز روز جهانی داوطلب است، تمام تلاشم را کردم که این دیدار در چنین روزی انجام شود و بتوانیم از طرف جمعیت هلال احمر از شما تقدیر کنیم.» وی افزود: «ما مدیون افرادی مثل شما هستیم و شما سبیل حرکت داوطلبانه هستید.»

در این دیدار همچنین کمیل نظافتی با اشاره به سابقه فعالیت های داوطلبانه اش در لباس هلال احمر گفت: «من از زلزله بم به عضویت هلال احمر در آمدم. هلال احمر یک نهاد مردمی است که به دل آدم می نشیند. خیلی از نهادها و جناح های سیاسی سعی کردند تا به نوعی من را مصادره کنند اما قبول نکردم.» وی افزود: «ما هلال احمر جنس دیگری دارد و مردمی است و باید به جمعیت هلال احمر کمک کرد. به هر حال من هم از بدنه نظام و جمعیت هلال احمر هستم و پوشیدن این لباس برای من باعث افتخار است.» نظافتی همچنین با اشاره به حضور محمدی نسب در سمت دبیر کلی جمعیت هلال احمر گفت: «من حتما

باید از دکتر پیوندی تشکر کنم

به دلیل این انتخاب. او را هنوز ندیدم اما می خواهم که پیام تشکر بنده را به دکتر پیوندی برسانید»

در میان گپ و گفت های دبیر کل هلال احمر و نظافتی همچنین صحبت هایی در مورد اهدای کلیه وی به یک

کودک شد و نظافتی نیز در این رابطه توضیح داد: «پس از این که از دواج کردم، با همسر من صحبت کرده بودم که حتما جمعها به عبادت مریضان برویم. در این ملاقات ها با یکی از بچه ها آشنا شدم که هشت سالش بود و چهار سال هم دیالیز می شد. دکترش هم گفته بود اگر پیوند کلیه انجام ندهد مرگش حتمی است. همان جا تصمیم گرفتم کلیه ام را اهدا کنم.» محمدی نسب از واکنش همسرش به این تصمیم پرسید و نظافتی گفت: «وقتی به همسر من گفتم کمی مکث کرد و گفت تو مرد هستی و باید بیرون کار کنی اما من خانه هستم بگذار من کلیه ام را بدهم. در واقع نه تنها مخالفت نکرد بلکه به این شکل هم همراهی کرد.» نظافتی با اشاره به این که پس از این اتفاق درخواست های زیاد شد گفت: «بعد از این اتفاق درخواست ها زیاد شد و خیرین زیادی هم با پیش گذاشتند و گفتیم که من هم در این میان اهرمی باشم و بتوانم کمک کنم.» در این دیدار همچنین محمدی نسب آخرین فعالیت نظافتی برای تهیه کاپشن و توزیع آن در کرمانشاه را جوینا شد و همچنین اعلام آمادگی کرد تا جمعیت هلال احمر در تهیه پوشاک بای همکاری کند

حمایت از حقوق حیوانات بود: «کمیل نظافتی روحانی جوانی است که این روزها در فضای مجازی به دلیل فعالیت های متفاوت در حمایت از حقوق حیوانات و طبیعت به یک چهره سرشناس تبدیل شده؛ طلبه ای که به خاطر جثه کوچکش معروف شده به طلبه «۴۰ کیلویی». اما ماجرای کمیل را تنها نباید در فضای مجازی و پست های او دنبال کرد. «کمیل» را باید در فضای حقیقی و در همین کوچه پس کوچه های شهر شناخت. مثلاً رفتن به بیمارستان شهیدبهدشتی شهرستان بابل. دقیقاً هم بیمارستانی که او تکه ای از بدن خود را اهدا کرد. بله، اصلاً بگذارید ماجرا را بدون وصف و توصیف اضافی تعریف کنم: «کمیل نظافتی کلیه خود را به یک کودک ۸ساله اهدا کرد و از آنجایی که خانواده شخص پذیرنده، وضع مالی خوبی نداشت، خودروی خود را هم برای تأمین هزینه عمل پیوند فروخت. پس دوباره می نویسم نامش «کمیل نظافتی» است؛ بزرگشده و آمل.»

چند روز که گذشت، باز هم با او هم صحبت شدیم. این بار اما موضوع گپ و گفت ما کمپین نذر آب بود: «کمیل نظافتی، روحانی ای که در فضای مجازی در زمینه حمایت از حقوق حیوانات و محیط زیست فعالیت دارد در این چند روز با عنوان «سفیر آب در راستای طرح نذر آب» به استان سیستان و بلوچستان سفر کرده است.» او در مورد وضع سیستان و بلوچستان گفت: «مردم در بعضی از این مناطق حتی ممکن است در طول یک

هفته به آب آشامیدنی قابل شرب دسترسی نداشته باشند. آب جیره بندی شده و ما به عنوان همنوع حداقل وظیفه داریم در این بحران کمک کنیم. متأسفانه با توجه به جلوگیری آب از ناحیه دولت افغانستان، دریاچه هامون به طور کلی خشک شده؛ صنعت ماهیگیری کاملاً نابود شده؛ دامپروری به خطر افتاده و در کل می توان گفت وضع در شرایط بحرانی قرار گرفته است. فرهنگ استفاده بهینه از انرژی و آب باید از مهد کودک و سنین پایین آموزش داده شود. این موضوع باید جزو دروس رسمی نهادهای آموزشی قرار بگیرد و از آغاز تعلیم و تربیت نحوه استفاده از آب و انرژی را نیز به کودکان آموزش دهیم.

حالا هم که به مناسبت روز جهانی داوطلب برنامه های مختلفی بر گزار شده و می شود، نوبت به تقدیر از این روحانی داوطلب رسید. دبیر کل جمعیت هلال احمر به دیدار ججتا لاسلام و المسلمین کمیل نظافتی، داوطلب سرشناس جمعیت هلال احمر و از فعالان حوزه کار داوطلبی رفت و در این دیدار با اهدای لوحی از زحمات وی تقدیر و تشکر کرد. مهندس محمود محمدی نسب در این

## راه ورسم داوطلبی

نیازسنجی و امکان سنجی بیشترین بهره روری را از امکانات و منابعی که خیران به این سازمان اهدا کرده بودند، به دست می آوردند؛ اما چیزی که امروز شاهد آن هستیم، این است که فعالیت در این کارها به خصوص در شبکه های مجازی بیشتر محلی برای تماشاشدن بازیگران امور خیریه است؛ تا برای ترغیب به مشارکت عمومی.

اما این که امروز شاهد جانفشانی امدادگران داوطلب هستیم و به تمجید از قهرمانی شان می پردازیم، چه مایه ازایی باید داشته باشد؟ معنی این ستایش این است که آنها باید جان شان را برای ما بدهند و ما همچنین بتوانیم بر روال قبل و معمول کار و زندگی مان را بکنیم؟

یعنی من شهروندی توانم این تازدی را ببینم و همچنان بدون تعهد و بدون انگیزه و مسئولیت همان کار هر روزم را ادامه بدهم و در قبال بی تفاوتی نسبت به همنوعم پاسخگو نباشم؛ یا یک پزشک و جراح فردا اگر با بیماران محرومی مواجه شود و آنها نیاز به تخصص و تجربه او داشته باشند. می تواند اینار پزشکان داوطلب را ندیده بگیرد و مثلاً برای جراحی قشهرهای ضعیف باز هم

مبالغی بسیار بالا طلب کند و بر احساسات انسانی اش چشم ببندد؟ می شود همه آن نمایش خیره کننده شبانه روزی داوطلبان جمعیت هلال احمر در حوادث و شرایط عادی را ندیده گرفت و تنها به کسب درآمد و زندگی شخصی فکر کرد؟ همه آن چه در هفته های گذشته در زلزله کرمانشاه مقابل چشمان ما بود، حادثه ای استثنایی بود که در روزمرگی زندگی فراموش خواهد شد؟

آن چه داوطلبان بی توقع ما کردند، ایاتنگری به جان همه ما نیست که مسئولیت های مان را در قبال جامعه جدی تر بگیریم و در مقابل درد دیگر اعضای جامعه دردی در خود حس کنیم؟

اخلاق را به نمایش نمی گذارد، جامعه ای که به مرگ لبخند می زند و بدون حساسیت آن را به تماشای می نشیند. یکی از نخستین خدشه های کار داوطلبی زمانی پیش می آید که به مرور در سال های اخیر فعالیت در این زمینه شکل نمایشی خاصی می یابد؛ در واقع جمعیت هلال احمر، هدایت و مدیریت برنامه های خیریه ای بر عهده رئیس گروه های چهارگانه داوطلبی (مشارکت، هدایت، حمایت و مهارت) گذاشته که خود داوطلبان فعال و حرفه ای بودند و به سبک و سیاق کار در این گونه برنامه ها مسلط بودند و در واقع عامل اصلی اجرای برنامه های انسان دوستانه این سازمان، داوطلبان آموزش دیده و ماهری بودند که با

### از فعالیت های داوطلبانه روحانی معروف تقدیر شد

## مرسی آقا کمیل

نظافتی: با بچه های آشنا شدم که دکترش گفته بود اگر پیوند کلیه انجام ندهد، مرگش حتمی است؛ همان جا تصمیم گرفتم کلیه ام را اهدا کنم



شهروند | کمیل نظافتی از داوطلبانی است که از زلزله بم به عضویت جمعیت هلال احمر درآمد و فعالیت داوطلبانه خود را انجام داد. علاوه بر این، او در طول سال های اخیر به صورت خودجوش فعالیت های مختلفی را انجام داد که حوزه های مختلفی را شامل می شود. از جمله آنها فعالیت در حوزه محیط زیست و همراهی با کمپین نذر آب جمعیت

هلال احمر است. نظافتی برای رسیدگی به نیازمندان و بیماران اغلب به استان های مختلف سفر می کند. او با استفاده از ظرفیت فضای مجازی کمک های مردمی را برای فعالیت های خیرخواهانه جمع می کند.

اواخر مردادماه بود که با کمیل نظافتی گفت و گویی انجام دادیم. محور مصاحبه ما فعالیت های این روحانی در راستای

شهروند | سخن مشهوری در باره انجام کار عام المنفعه بین مارواج یافته است مبنی بر این که در اینگونه فعالیت ها مهم «فقس» کار خیر است و نه شیوه آن؛ آن چه مهم است، این که «اصل» خدمات انسان دوستانه تلاوم یابد و گرنه صورت و شیوه انجام آن چندان مهم نیست با یک مسأله ذاتی یا سنتی است. این قول رایج هم ابهامات زیاد و اقتضات زینباری دارد و هم این که بعید است کسی به طور کامل به آن متعهد باشد؛ مثلاً رویکرد مردم و رفتار اجتماعی شان در زلزله اخیر کرمانشاه و راهبندان ناشی از هجوم افراد برای کمک های انفرادی به همراه تماشای فاجعه و سلفی گرفتن شان با خرابه ها و کشته ها که گاهی حتی در خود زلزله را هم عقب می راند، شکل مناسبی از نیکوکاری است؟ باعث تأخیر روند امداد رسانی به آسیب دیدگان چه؟ این که مردم آموزش ندیده و ناآگاه که خطر مرگ را هم به هیچ می گرفتند و همچنان دنبال آرایه خدمات مشاوره ای نادرست خود بوده اند، تا سفاک است و به نظر نمی رسد این که کار خیر صور فطری و بومی داشته و دارد، به این معنا باشد که هر کسی، هر فعلی را بتواند به کار عام المنفعه نسبت دهد.

تغییرات نسبتاً سریعی که در یک تا دو دهه اخیر در انجام امور خیریه صورت گرفته است، نه ربطی به قومیت و فرهنگ محلی دارد و نه ربط مستقیمی به تکنولوژی. این تغییرات به صورت عمومی در سرتاسر کشور انجام می شود و مهم ترین اصل در آنها، تبدیل فرهنگ انجام کار داوطلبانه و خیر از شکل مشارکتی به شکل مشاهدتی است. کمی بافاصله به اتفاقاتی که در روند کمک رسانی به افراد آسیب دیده و آسیب پذیر رخ می دهد، نگاه کنیم و ببینیم آیا همچنان اطلاق کلمه کار موثر بدون چشمداشت در این فعالیت ها، آسان است یا نه؟ البته ما فراموش نمی کنیم که یکی از جنبه های مهم کار انسان دوستی جنبه تبلیغی آن است و به